فهرست

[اصول/ تعدیه حکم 2](#_Toc88485422)

[عوامل تعدیه حکم 2](#_Toc88485423)

[مقدمه 2](#_Toc88485424)

[مبحث دوم؛ تقسیمات باب اطمینان 2](#_Toc88485425)

[تقسیم اول؛ شخصی و نوعی 2](#_Toc88485426)

[اقسام اطمینان نوعی 2](#_Toc88485427)

[تقسیم دوم؛ عرفی و غیر عرفی 3](#_Toc88485428)

[نکته‌ای مهم 3](#_Toc88485429)

[تقسیم سوم؛ اجمالی و غیر اجمالی 5](#_Toc88485430)

[تقسیم اطمینان به موضوعات و اطمینان در احکام 7](#_Toc88485431)

[تقسیم اطمینان به موضوعی و طریقی 7](#_Toc88485432)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ تعدیه حکم

# مقدمه

بحث در اطمینان بود و بعد از بیان مقدماتی در بحث اطمینان مباحثی را آغاز کردیم که مبحث اول تعریف و مفهوم‌شناسی بود که به بحث دقیقی رسیدیم و آن نکات را گفتیم

# مبحث دوم؛ تقسیمات باب اطمینان

## تقسیم اول؛ شخصی و نوعی

موضوع بعدی که اینجا اشاره شد این است که اطمینان نوعی دو قسم است فعلی و شأنی

بنابراین در ذیل تقسیم اول دو تقسیم فرعی وجود دارد یک تقسیم شخصی مقابل نوعی، تقسیم می‌شود به شخصی ناشی از امراض روحی یا ناشی از علایق و رغبت‌های شخص که حالت مرضی نیست ولی اختصاص به خود دارد.

### اقسام اطمینان نوعی

در طرف نوعی که طرف دیگر این تقسیم بود آنجا هم گفتیم که اطمینان نوعی علی قسمین است یکی فعلی و دیگری شأنی است

فعلی واضح است این موضوع با این مشخصات دست عرف هست و عرف وقتی با این ویژگی‌ها با آن مواجه شوند اطمینان پیدا می‌کنند

اما اطمینان شأنی این است که این شخص به دلیل مثلاً هوش بالا یا اطلاعات ویژه به اطمینان رسیده که عرف به صورت عادی این مقدمات را در دست ندارد. ولی اگر این مقدمات به دستشان بیاید آنها هم مطمئن می‌شوند این اطمینان نوعی است.

گاهی هست که این شخص ضریب هوشی بالا دارد که نکات معادلات را متوجه می‌شود که افراد به طور عادی متوجه آن نمی‌شوند و گاهی هم اطلاعات خاص و ویژه‌ای در دست اوست که این اطلاعات در دست دیگران نیست.

گاهی به خاطر تحصیلی که انجام داده است و آن قواعد علمی که یاد گرفته است به این اطمینان نائل شده است و دیگران بالفعل از این بهره‌مند نیستند و لذا می‌شود گفت اطمینان نوعی بالفعل یا بالقوة القریبة الی الفعل است

اطمینان نوعی یک قسمش این است که فعلی است یا بالقوة القریبة الی الفعل است همه چیز واضح است. یک لحظه این حرف‌ها را دست دیگران قرار بدهید می‌بینید عمده مردم با این معلومات و شواهد این اطمینان را پیدا می‌کنند.

اما غیر فعلی و شأنی آن است که بالقوة القریب الی الفعل نیست ولی به‌گونه‌ای است که اگر این اطلاعاتی که اگر ده سال وقت می‌خواهد و باید کار علمی مستمر کرد اگر به دست کسی بدهید عموم مردم با توجه به اینها می‌گویند اطمینان داریم.

و این شواهد ما را به اطمینان می‌رساند این می‌شود اطمینان نوعی که بالفعل یا بالقوة القریب الی الفعل عند العموم نیست ولی به نحوه قضیه شرطیه است که اگر این مجموعه اطلاعاتی که این شخص به خاطر ممارست علمی یا هوش بالا یا اطلاعات ویژه یا سری و محرمانه به این اطمینان رسیده است اگر اینها را به غالب مردم بدهید مردم هم مثل او به این اطمینان می‌رسند.

این اطمینان نوعی شأنی است.

اطمینان نوعی که بعد خواهیم گفت که حجت است نه شخصی که امکان این وجود دارد اگر آن را بگوییم شامل شأنی هم می‌شود یا نه؟ به نظر می‌آید می‌شود برای اینکه ملاک در اطمینان فعلی این است که شواهد به‌گونه‌ای باشد که اگر در دسترس همه قرار بگیرد بگویند همین است، این « اگر » اینجا کافی است معمولاً اطمینان نوعی هم خیلی وقت‌ها این جور نیست که احراز کرده باشد همه این اطمینان را دارند خیلی جاها بالقوة القریب الی الفعل است می‌گوید معلوم است این را به دست هر کسی بدهید همین جور می‌باشد غالباً این‌طور است شاید خیلی فرقی نداشته باشد در عین اگر دقایقی داشته باشد در ادله باید به این بپردازیم.

سؤال: در مخاطب آیا چنین اطمینان شأنی می‌تواند حجت باشد.

جواب: این را هم باید اطمینان پیدا بکند که اگر دیگران بدانند این اطمینان را دارند یا قطع یا اطمینان داشته باشد اگر شک کند که این شأنی است یا شخصی اول است ارزشی ندارد. اگر بگوییم اطمینان ارزشش به نوعی است.

## تقسیم دوم؛ عرفی و غیر عرفی

اطمینان گاهی از علل و اسباب متعارف حاصل می‌شود مثل همین ظهورات آدم اطمینان دارد که ظهور این در این است این اطمیناناتی است که از این علل و اسباب عادی و متعارف پیدا شده است

اطمینان‌هایی وجود دارد که از غیر از علل و اسباب متعارف پیدا شده است مثل کسانی که با علوم غریبه مأنوس است علم حروف می‌داند، روی قواعد علم حروف می‌گوید این آقا عمرش بیشتر از دیگری است یا آن این‌جوری می‌شود اطمینان پیدا می‌کند ولی اطمینانی که از راه رمل و اسطرلاب و علوم غریبه در راه‌های غیرمتعارف به دست می‌آید.

### نکته‌ای مهم

اینجا نکته‌ای که وجود دارد در همین اطمینان‌هایی است که از راه غیرمتعارف پیدا می‌شود آیا حجت است یا نیست؟ این را باید بحث کرد ولی نکته‌ای که با بحث قبلی ارتباط دارد این است که اگر این اطمینان‌های غیرمتعارف از قبیل شأنی باشد، بعید نیست که حجت باشد یعنی می‌گوید من اطمینانی دارم که اگر دیگران هم این مقدمات و معلوماتی را که من دارم دستشان باشد آنها هم مثل من به اطمینان می‌رسند یعنی با طبع عقلایی سالم کسی این اطلاعات را داشته باشد اطمینان پیدا می‌کند. می‌شود گفت حجت است.

درواقع غیر عرفی، دو نوع است یکی متعارف و غیر عرفی است که می‌تواند شأنی باشد اگر شأنی باشد بعید نیست که آن هم حجت باشد مگر اینکه کسی بگوید در اموری باشد که بگوید در راه‌های غیرمتعارف اعتبار ندارد. آن باید در جای خود بحث شود کما اینکه در تکلیف ائمه علیهم‌السلام گفته شده است آنها به رعایت اموری که از راه لدنی و غیر اکتسابی به دست می‌آورند نیستند. آنها تکلیف آور نیست اینکه حضرت می‌داند امروز که به مسجد می‌رود ضربت خواهد خورد این موضوع برای **﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾**[[1]](#footnote-1) نیست با وجوهی که در کلام و فقه باید بحث بشود.

سؤال: مثال شهود را یقین می‌گیرید یا شهود اطمینانی هم می‌تواند در ذیل این بحث قرار بگیرد.

جواب: شهود هم غیر عرفی است یک مکاشفه برای او پیدا شده است یا خوابی دیده است یا استخاره می‌کند و برای او استخاره اطمینان می‌آورد. استخاره برای بعضی رفع تحیر است ولی برای بعضی واقعاً می‌گوید حقیقت را می‌فهمم که چگونه می‌شود.

سؤال: در توضیح اطمینان شأنی گفتید به‌گونه‌ای است که اگر در اختیار عموم مردم قرار بگیرد این خود نشان‌دهنده این نیست که اطمینان شأنی اسباب عرفی را شامل می‌شود و باز در مقسم اطمینان عرفی و غیر عرفی تداخل پیدا می‌کند؟

جواب: تداخل پیدا نمی‌کند ما اینها را جدا کردیم واقعاً دو تقسیم در عرض هم هستند اطمینان یا شخصی است یا نوعی و از منظر دیگر اطمینان یا عرفی است یا غیر عرفی، هر یک از عرفی و غیر عرفی تقسیم می‌شود به فعلی و شأنی.

سؤال: حضرت‌عالی در تبیین شأنی فرمودید عللی دارد هوش بالایی دارد یا مقدماتی در دست او هست که اگر عرف هم این مقدمات در دست او باشد اطمینان را کسب می‌کند آیا این نشان‌دهنده این است که آن عرفی باید باشد یعنی متداخل با تقسیم اطمینان عرفی می‌شود

جواب: دو تقسیم هست که بینشان من وجه است آنجا شخصی و نوعی داریم که هرکدام به عرفی و غیر عرفی تقسیم می‌شود اینجا هم عرفی و غیر عرفی داریم که هرکدام تقسیم می‌شود به شخصی و نوعی. دو تقسیم در عرض هم است لذا هر یک از اینها می‌تواند به دو تقسیم قبلی تقسیم بشود

اینها مرور به تقسیمات است تفاصیل ممکن است در حجیت اقوالی باشد که شاید به آنها بپردازیم.

## تقسیم سوم؛ اجمالی و غیر اجمالی

تقسیم سوم این است که اطمینان گاهی همراه با علم اجمالی است و گاهی نیست علم اجمالی هم علم اجمالی موافق و مخالف اطمینان است

مثالی که سابق می‌زدیم این بود که علم اجمالی دارد که قطره‌ای از سم در یکی از این صدتا ظرف افتاده است و علم اجمالی دارد که یکی از این مثلاً هزار ظرف مسموم است اینجا تک‌تک اینها را می‌گوید اطمینان دارم سم نیست چرا برای اینکه وجود سم در اینجا یک در هزار است و این یک در هزار چیزی نیست که اعتنا بکند اینجا اطمینان دارد به وجود عدم سم در اینجا ولی این اطمینان همراه با علم اجمالی به آن احتمال مخالف یعنی وجود سم است اطمینان به عدم وجود سم همراه با علم اجمالی به نقطه مخالف است که علم اجمالی دارد که سم در اینجا هست.

گاهی با علم اجمالی به مخالف همراه نیست اطمینان دارد که اینجا سم نیست ولی به شکل بدوی احتمال می‌دهد که ممکن است در اینجا سمی ریخته شده باشد ممکن است نه اینکه علم دارد در یکی از این هزار ظرف سم ریخته شده باشد.

پس علم اجمالی گاهی به‌گونه‌ای است که احتمال مخالف آن زیر پر یک علم اجمالی است گاهی زیر پر علم اجمالی نیست.

علم اجمالی در احتمال خلاف را گفتیم گاهی هست احتمال خلاف بدون علم اجمالی است و گاهی با علم اجمالی است در طرف خود اطمینان آن طرف موافق هم ممکن است علم اجمالی باشد یا ممکن است نباشد.

سؤال: بحث‌هایی که در تعریف اطمینان بود ممکن است در بعضی از مثال‌ها مناقشه بشود که اطمینان نیست یک ظرف از یک میلیون سمی باشد اطمینان هست.

جواب: بله من مثال را از صد بالاتر بردم برای این است که بر اساس بحث‌های دیروز یک جاهایی علم اجمالی مانع از شکل‌گیری اطمینان می‌شد دیروز دقیقاً این را گفتیم ولی آنجا که مانع از آن نشود ولی درعین‌حال علم اجمالی هست آن مقصود است.

این هم یک تقسیم که اطمینان دارد گاهی این اطمینان با علم اجمالی در طرف احتمال خلاف است و با آن همراه نیست و وجود و عدم وجود این علم اجمالی در احتمالات خلاف دو تأثیر دارد یکی تأثیر موضوعی دارد که جاهایی نمی‌گذارد اطمینان پیدا بشود که گفتیم اگر احتمال خیلی بالایی مثل نه‌صد و نودونه نباشد و به نود چهار و پنج و شش برسد و آن طرف هم علم اجمالی باشد اینجا اصلاً اطمینان نیست که خارج بحث می‌شود

یک تأثیر هم ممکن است داشته باشد که در مقام حجیت بعد از اینکه اطمینان منعقد می‌شود در حجیت نقش دارد و نقش هم این است برای اینکه نقش را بگویم یک مثالی در آن حجج شرعی در اطراف علم اجمالی می‌آورم

اگر علم اجمالی دارد به این که یکی از این دو ظرف شامل مسکر است یا شامل یک نجسی است و نمی‌شود تناول کرد این علم اجمالی منجز است اگر بینه‌ای قائم شده که این یکی مشتمل بر مسکر است این قیام بینه مثل قطع است اگر قطع پیدا کرد که مسکر اینجاست علم اجمالی منحل می‌شود انحلال واقعی دارد

در همین‌جا اگر بینه در دو طرف بود یک بینه گفت این نجس است و بینه دیگر گفت آن دیگری نجس است اینجا تعارض می‌کنند و علم اجمالی در جای خود باقی است.

در اطمینان هم قصه از همین قرار است اگر اطمینان دارد به اینکه در جایی علم اجمالی دارد که یکی از این صد ظرف سم یا مسکری در آن هست چون در صد یا هزار تاست بعد آمده است تک‌تک اینها اطمینان حاصل می‌شود برای اینکه یک در هزار است و اطمینان حاصل می‌شود اینجا اگر علم اجمالی نباشد این اطمینان حجت است و پیش می‌رود اما اگر علم اجمالی باشد این اطمینان‌ها در همه هست در هزار تا در هرکدام از آنها اطمینان هست چون در همه اینها اطمینان هست نمی‌گذارد اینها با هم تعارض می‌کند و این اطمینان حجت نیست علم اجمالی اثر خود را می‌گذارد

بنابراین بود و نبود علم اجمالی در مواردی تأثیر دارد که این اطمینان حجت بشود یا نشود به‌عبارت‌دیگر بود و نبود علم اجمالی همراه با اطمینان در طرف احتمال مخالف این گاهی موجب می‌شود که اطمینان منعقد نشود که قبلاً گفتیم گاهی اطمینان منعقد شده را نمی‌گذارد حجت باشد.

چون در همه اینها اطمینان به عدم مسمومیت هست اگر بخواهیم به همه عمل بکنیم پس علم اجمالی کجا رفت، درحالی‌که علم به وجود سم در یکی از این ظروف داریم اگر به بعضی عمل کنیم دون بعض ترجیح بلا مرجح است و لذا ساقط می‌شود این همان تقریری است در علم اجمالی گفته می‌شود در جایی که در اطراف علم اجمالی بینه و حجتی خلاف علم اجمالی بیاید در همه، اگر در بعضی بیاید علم اجمالی منحل می‌شود اگر در همه باشد نمی‌توان به همه علم کرد چون خلاف علم است به بعضی دون بعض نمی‌شود عمل کرد چون ترجیح بلا مرجح است و لذا همه بی‌اعتبار می‌شود و آن علم اثر خود را می‌گذارد. این قاعده‌ای است که در علم اجمالی گفته می‌شود و یکی از مباحث مهم و حساس علم اصول علم اجمالی است.

سؤال: اگر متعلق علم اجمالی امر خطیری نباشد باز می‌تواند مانع اطمینان به حساب بیاید.

جواب: فرمول این است علم اجمالی دارد که نجس است تکلیف در آنجا به تناسب خودش باید پرهیز کند، فرقی نمی‌کند یک تکلیف منجزی است لذا تأثیر می‌گذارد. فرقی نمی‌کند.

سؤال: اگر تعداد خیلی زیاد باشد غیر محصوره نمی‌شود؟

جواب: اگر به حد غیر محصوره برسد آنجا دیگر علم اثر ندارد

سؤال: بگوییم علم اجمالی با این موارد اطمینان سنجیده بشود گاهی مانع تحقق اطمینان است مثل یک درصد سم، یا مسئله غیر محصوره می‌شود که علم اجمالی اثر ندارد.

جواب: در غیر محصوره یک نظر این است که علم اجمالی مؤثر است، مصداق پیدا می‌کند ولی یک وقت‌هایی به جایی می‌رسد که بنا بر بعضی انظار می‌گویند حجت نیست. ولی فرض بگیریم اگر حجت باشد تعارض می‌کنند و آن سر جایش محفوظ می‌ماند.

## تقسیم اطمینان به موضوعات و اطمینان در احکام

اطمینان گاهی در موضوعات است اطمینان به اینکه این امام جماعت عادل است، اطمینان به اینکه این ظرف نجس است و ... اثباتاً و نفیاً

یک اطمینان هم در احکام می‌آید اطمینان به اینکه نماز جمعه واجب تعیینی است یا تخییری.

این تقسیم مهم است چون تفصیلاتی وجود دارد ممکن است کسی بگوید در موضوعات حجت است و در احکام حجت نیست یا برعکس.

اطمینان در احکام هم که می‌گوییم برمی‌گردد به اطمینان در مبادی شکل‌گیری حکم، اطمینان به حجیت این خبر، به این ظهور و عدم معارض و امثال اینها برای این که یک حکم می‌خواهد شکل بگیرد اطمینان به آن غالباً از طریق اطمینان به مبادی آن حکم است.

به‌عبارت‌دیگر اطمینان یا در موضوعات است یا در احکام است

اطمینان در احکام هم علی قسمین است اطمینان به حکم از مجرای غیرعادی و مستقیم پیدا می‌کند و یک اطمینان به احکام هست که مبتنی بر مبادی اجتهاد و مقدمات اجتهاد وجود دارد

## تقسیم اطمینان به موضوعی و طریقی

مثل قطع موضوعی و طریقی، گاهی قطع طریق است که غالباً این طور است و گاهی قطع جزء موضوع می‌شود **﴿حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ﴾**[[2]](#footnote-2)

این تقسیماتی است که اینجا وجود دارد. مبحث بعدی وارد ادله وجود اطمینان می‌شویم.

1. - سوره بقره، آیه 195 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره بقره، آیه 182 [↑](#footnote-ref-2)